

گفت وگو با کارگردان تئاترهای کمدی «حشره کش»، «یک مهمانی خیلی خیلی ساده» و «ارتش سری»در مشهد

تئاتر کمدی، نیاز جامعه است



طنین همتی‌اژانر کمدی در تئاتر، فراتر از یک سرگرمی ساده، بستری زنده و اثرگذار برای پیوند هنر با متن جامعه است؛

گونه‌ای که با تکیه بر موقعیت، شوخ طبعی و زبانی صمیمی، راهی مستقیم به دل مخاطب می‌گشاید و حتی عمیق‌ترین نقدهای اجتماعی را در بستری شیرین و پذیرفتنی مطرح می‌کند. کمدی با قدرت خنداندن جمعی، می‌تواند بهترین بهانه برای گردهم آمدن خانواده‌ها در سالن‌های نمایش باشد. هم زمان با اجرای چند نمایش کمدی در سالن‌های تئاتر مشهد، شهرآرا در گفت وگو با سه کارگردان نمایش‌های کمدی مشهد، به بررسی ظرفیت‌های ژانر کمدی، جایگاه آن در نشاط عمومی و نقش صحنه در غنی‌سازی اوقات فراغت خانواده‌ها پرداخته است.

● طنز؛ امکانی برای بیان حرف‌های جدی

نمایش کمدی «حشره کش» به نویسندگی و کارگردانی کیوان صباغ از هفته اول شهریورماه در سالن اصلی تئاتر شهر مشهد روی صحنه رفته است؛ این اثر تلاش دارد در بستری طنزآمیز و با موقعیتی نمادین، مخاطب را علاوه بر سرگرم کردن به تفکر وادارد.نویسنده و کارگردان نمایش کمدی «حشره‌کش» با اشاره به خط‌کلی داستان نمایش، گفت: ماجرای این نمایش فانتزی در خانه‌ای می‌گذرد که بر از حشرات گوناگون است. این حشرات شرایطی را ایجاد می‌کنند که هیچ مستأجری پس از ورود به خانه نتواند در آنجا دوام بیاورد و بماند.

هنرمند پرسابقه تئاتر که در بیش از دو و نیم دهه فعالیتش میان کمدی و ترازوی در رفت و آمد بوده است، با دفاع از جایگاه اصیل کمدی افزود؛ از یونان باستان تا امروز کمدی هم پای ترازوی از محبوب‌ترین ژانرهای نمایشی بوده است؛ چراکه خندیدن نیازی ذاتی و روانی برای انسان است. همان‌طور که بدن در برابر بیماری یا گرما با تب و تعریق واکنش نشان می‌دهد، ذهن در برابر فشارهای عصبی به تخلیه از طریق خنده نیاز دارد و اگر این فرصت فراهم نشود، جامعه مستعد فرسودگی و افسردگی خواهد شد.

صباغ با تفکیک مرز میان طنز و دیگر گونه‌های سرگرم‌کننده عنوان کرد: گاهی میزان اثرگذاری یک حرف جدی در قالب کمدی و طنز، بسیار بیشتر از یک اثر کاملاً جدی است؛ ژانرهایی مثل هجو،هزل یا کمدی Farce وظیفه‌ای برای انتقال مفهوم دارند و صرفاً بر پایه سرگرمی استوارند؛ اما ویژگی اصلی طنز، اندیشه پراکنجری است.نمایش مادر معرفی عمومی، کمدی نامیده می‌شود، اما از بعد فنی کاملاً منطبق بر طنز است؛ یعنی در کنار ساختن فضایی شاد و سرگرم‌کننده، انتقال پیام و معنا اولویت دارد. وی درباره آسیب‌شناسی تولیدات کمدی در مشهد گفت: متأسفانه بخش زیادی از کارهای کمدی که در مشهد به روی صحنه می‌روند، چه از نظر ساختاری و کیفی و چه از حیث استقبال عمومی به استانداردهای مطلوب نمی‌رسند و به همین دلیل کارگردانان کمتری به سمت تولید اثر در این ژانر می‌روند.

● مشهد؛ دومین قطب تئاتر کشور

مشهد پس از تهران تنها شهری است که در تمام طول سال و به صورت مستمر و هربش در سالن‌های متعدد اجرای عمومی تئاتر دارد و قطب دوم تئاتر ایران محسوب می‌شود که صباغ به آن تأکید دارد. او گفت با این حال، تئاتر هنوز به‌طور فراگیر در سبد مصرف فرهنگی خانواده‌ها تثبیت نشده است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حتی برای برمخاطب‌ترین آثار تهران یا مشهد، نیم درصد از جمعیت شهر هم به تماشای تئاتر

درگیر می‌شوند؛ نتیجه، بازداشت، حکم مرگ و تلاشی کمدی برای فرار از آن موقعیت با همان ابزارهای جرب زبانی و بازیگری.

دیوید مامت در اینجا از فضای جدی آثار قبلی‌اش فاصله می‌گیرد و اثری کمدی خلق می‌کند اما در ضمن نقدهایی به فضاهای هنری دارد. بازار هنر و نقش و تأثیر حامیان هنر از درون مایه‌های این اثر است؛ گروه برای زنده ماندن باید خود را به ثروتمندان بفرشد؛ مامت بازار هنر رومی را آینه‌ای از بازار امروز می‌کند؛ وابستگی به پول حامی، رقابت بی‌رحم، وتبدیل هنر به کالا، خلق موقعیت‌های خنده‌دار، ریتم سریع و مونولوگ تأمل برانگیز استراپو (سرپرست گروه بازیگران) درباره بازیگری را نقاط قوت این نمایشنامه برشمردند. هر چند منتقدان آن را هم وزن آثار بزرگ این نویسنده نمی‌دانند. «مدرسه» نمایشنامه دیگری این کتاب است؛ نمایشی تک‌پرده‌ای و کوتاه با دو بازیگر که یکی مدیر مدرسه و دیگری معلم یا کارمند است.

● گلیزه از ریک‌دصور مجوز و برچسب دانشجویی

کارگردان «یک مهمانی خیلی خیلی ساده» از روند اداری پیش از اجرا و درج عنوان «دانشجویی» برای نمایش گلایه کرد و گفت: نمایش حدود هفت ماه پیش برای بازیبنی رفته بود، اما اطلاع‌رسانی روشنی درباره نتیجه و روند‌های بعدی به ما نشد. گروه ما حدود هشت یا ۹ سال است که کنار هم کار می‌کند و درج برچسب دانشجویی، آن هم به شکلی که بر فروش اثر می‌گذارد، برای ما محل پرسش بود. هیچ‌گونه مسئله‌ای با دانشجویی بودن نداریم و فعالیت دانشجویی باعث افتخار است؛ اما انتظار ما این است که در تصمیم‌ها قاعده و شفافیت وجود داشته باشد. به ما گفته شد اگر عنوان دانشجویی درج نشود، سایت فروش بسته خواهد شد. این مسئله در حالی رخ داد که بخشی از مخاطبان بلیت تهیه کرده بودند و گروه در آستانه اجرا با اضطراب زیادی روبه‌رو شد.

وی با اشاره به هزینه‌ها و دشواری‌های تولید تئاتر گفت: گروهی که در وضعیت اقتصادی فعلی برای اجرای یک اثر درخور مخاطب، هزینه قابل توجهی صرف می‌کند، با مواجهه با این نوع رفتارها هر روز خسته‌تر می‌شود. ما پروانه نمایش را تنها یک روز پیش از اجرا دریافت کردیم و برای فروش بلیت‌ا اجرای نخست، کمتر از یک روز فرصت داشتیم. احساس می‌کنم گاهی این خستگی به گروه‌های جوان تزریق می‌شود تا کمتر کسی به صورت مستمر کار کند.

● «ارتش سری»؛ نقادی بر دغدغه‌های هنرمندان مصطفی احمدی فر، نویسنده و کارگردان تئاتر، درباره نمایش کمدی «ارتش‌سری» بیان کرد: این نمایش در ژانر کمدی تاریخی نوشته شده و به روزهای پایانی زندگی آدولف هیتلر و اتفاقاتی که در مقر و مخفیگاه او رخ می‌دهد، می‌پردازد. البته تلاش کرده‌ایم این روایت تاریخی را ایرانیزه کنیم و با زبان طنز و کمدی به صحنه ببریم. علاقه شخصی‌ام به تاریخ‌سینمای جهان و به‌ویژه تأثیر جنگ جهانی دوم بر سینما، یکی از دلایل اصلی انتخاب این موضوع بود. رشته تحصیلی من سینماست و از گذشته به تاریخ‌سینمای جهان و وقایع جنگ جهانی دوم علاقه داشتم؛ به همین دلیل، با تکیه بر اطلاعاتی که از روزهای پایانی هیتلر و فضای مخفیگاه او داشتم، این ایده را به یک اثر نمایشی تبدیل کردم.

کارگردان «ارتش سری» با تأکید بر جایگاه کمدی در روزگار کنونی گفت: مهم‌ترین دلیل برای کار در این ژانر، فارغ از مباحث حرفه‌ای هنر، احساس نیاز جامعه به شادی است. مردم این روزها با دغدغه‌ها، گرفتاری‌ها و مشکلات اقتصادی و روحی مختلفی روبه‌رو هستند و به نظر می‌رسد حال عمومی جامعه چندان مناسب نیست. بسیاری از هنرمندان در گونه‌های اجتماعی و



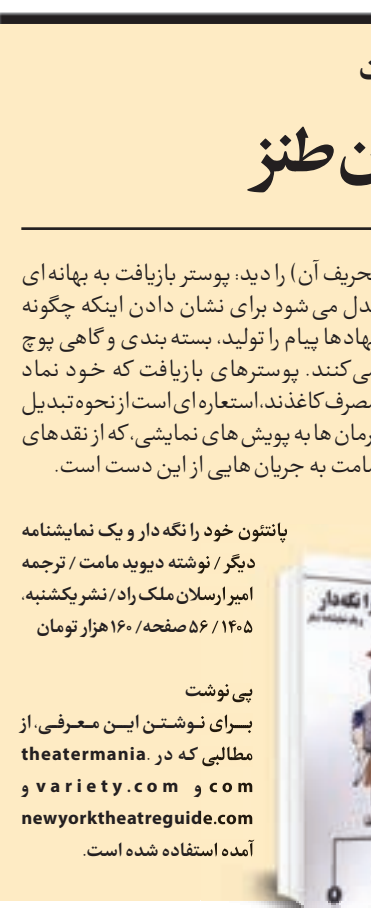
با موضوعات جدی فعالیت می‌کنند، اما در شرایط فعلی شاید استقبال از این آثار به اندازه گذشته نباشد. فکر می‌کنم جامعه امروز به‌طور جدی به فرصت‌هایی برای خندیدن و فاصله‌گرفتن موقت از فشارهای روزمره نیاز دارد. اگر بتوانم در ۹۰ تا ۱۰۰ دقیقه اجرای نمایش، مخاطب را از گرفتاری‌هایش جدا و حال‌آور بهتر کنم، احساس می‌کنم سهم خودم را در این زمینه ادا کرده‌ام. این برای من یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهاست.

● کمدی؛ فرصتی برای نقد و فرهنگ‌سازی

طنز و کمدی، با وجود نزدیکی، از نظر ادبی و فنی تفاوت‌هایی دارند. این تکیه‌ای است که کارگردان تئاتر «ارتش‌سری» به آن تأکید دارد و بیان می‌کند: در کمدی، به‌ویژه کمدی موقعیت، امکان طرح برخی نقدهای اجتماعی وجود دارد. می‌توان در لایه‌لای خنداندن مخاطب، روبه‌ها، ذهنیت‌های قدیمی، باورهای غلط و مشکلاتی را که به فرهنگ‌سازی نادرست منجر شده‌اند، مطرح کرد. در «ارتش‌سری» در کنار فضای سرگرم‌کننده، به برخی دغدغه‌های هنرمندان پرداخته‌ایم. درواقع به زبان کمدی، دشواری‌های دریافت مجوز برای فعالیت‌های هنری را طرح کرده‌ایم؛ دغدغه‌ای که بسیاری از هنرمندان مشهد و خراسان با آن روبه‌رو هستند. چندی پیش در دیداری با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، از ایشان دعوت کردم دست‌کم یکی از پرده‌های نمایش را ببینند؛ زیرا در آن بخش، دغدغه‌های هنرمندان درباره فرایند مجوزها به‌صورت روشن، اما در قالب کمدی، مطرح می‌شود.

● تئاتر در سبد فرهنگی خانواده‌ها نیست

احمدی‌فر با اشاره به وضعیت مخاطبان تئاتر و سینما در مشهد بیان کرد: در نشست‌هایی که میان اعضای انجمن هنرهای نمایشی استان و فعالان انجمن سینمای جوان برگزار می‌شود، بارها مطرح کرده‌ایم که بخش بزرگی از مخاطبان تئاتر و سینما مشترک‌اند. یعنی اغلب کسانی که به سالن تئاتر می‌آیند، خودشان پیگیر هنر و سینما هستند. در بسیاری از موارد، از هر ۱۰ نفری که به سالن سینما یا تئاتر می‌آیند، بخش زیادی مخاطبان ثابت و علاقه‌مندان همیشگی‌اند و تعداد کمی از مردم عادی و خانواده‌هایی هستند که تماشای تئاتر را به عنوان یک برنامه فرهنگی دنبال می‌کنند. این در حالی‌است که رفتن به تئاتر و سینما باید به تدریج در سبد زندگی فرهنگی خانواده‌ها قرار بگیرد. کارگردان «ارتش‌سری» گفت: همان‌طور که تغذیه، ورزش و دیگر امور روزمره برای زندگی ضروری تلقی می‌شوند، خانواده‌ها می‌توانند برای تماشای تئاتر یا سینما برنامه داشته باشند؛ حتی اگر یک خانواده هر هفته به تئاتر نرود، دست‌کم می‌تواند ماهی یک بار یا در بازه‌های زمانی مشخص، تماشای یک اثر نمایشی را در برنامه خود بگنجاند.



پانتئون خود را نگه دار و یک نمایشنامه دیگر / نوشته دیوید مامت / ترجمه امیر ارسلان ملک‌راد / نشر گنجینه.

پانتئون خود را نگه دار و یک نمایشنامه دیگر / نوشته دیوید مامت / ترجمه امیر ارسلان ملک‌راد / نشر گنجینه.



تکاهی به فیلم سینمایی «استخر» ساخته سروش صحت

زندگی در ۲ ثانیه‌های از دست رفته متوقف می‌شود



احمد مطبوعی! تازه‌ترین فیلم سروش صحت، در ادامه جهان شخصی کارگردان، به فرسودگی یک رابطه، تنهایی و جست و جوی معنای زندگی می‌پردازد؛ فیلمی که با وجود برخورداری از هویت بصری و مضمونی مشخص، در فیلم‌نامه و پیشبرد دراماتیک، به اندازه آثار پیشین او موفق نیست. سینما، اگرچه در بسیاری از موارد بر پایه روایت واقعیت و بازنمایی جهان عینی شکل می‌گیرد، در نهایت هنری مبتنی بر قصه‌گویی و درام است. فیلم‌ساز برای ساختن جهان خود ناگزیر است گاهی از واقعیت فاصله بگیرد و قواعد جهان داستانی‌اش را بنا کند. از همین‌روست که در آثار برخی فیلم‌سازان، پیش از آنکه نام کارگردان را ببینیم، می‌توانیم حضور او را از روی لحن، میزانشن، دیالوگ، رنگ و حتی نوع شخصیت‌پردازی تشخیص دهیم. «استخر» نیز در ادامه همین جهان شکل گرفته است؛ فیلمی که در بهترین لحظات‌اش همان نگاه آشنای صحت را به نمایش می‌گذارد. اما در مقایسه با آثار قبلی او، در ساختن یک روایت منسجم و پیشبرد دراماتیک آن با مشکلاتی جدی روبه‌رو است.

● داستان یک زندگی که از حرکت ایستاده است

داستان «استخر» بر زندگی زوجی متمرکز است که بیش از دو دهه زندگی مشترک، در آستانه جدایی قرار گرفته‌اند. رابطه‌ای که سال‌ها زیر فشار روزمرگی، بی‌توجهی و فرسودگی عاطفی قرار داشته. اکنون باید با گذشته و احتمال پایان خود روبه‌رو شود. این ایده در نگاه نخست کاملاً با سینمای سروش صحت هماهنگ است؛ آدم‌هایی معمولی در موقعیتی آشنا که ناگهان با پرسش‌هایی فراتر از زندگی روزمره خود روبه‌رو می‌شوند. مسئله اما از جایی آغاز می‌شود که فیلم به جای گسترش دراماتیک این ایده، به بخش‌هایی به تکرار الگوهایی روی می‌آورد که صحت پیش‌تر و با موفقیت بیشتری از آن‌ها استفاده کرده است.

در مقایسه با «جهان با من برقص» که همچنان یکی از پخته‌ترین تجربه‌های سینمایی صحت محسوب می‌شود، «استخر» از نظر انسجام فیلم‌نامه و ظرافت کارگردانی اثری کم‌رنگ‌تر است. حتی «صبحانه با زرافه‌ها» نیز در حفظ ریتم و پیشبرد روایت، عملکرد منسجم‌تری داشت.

● از جهان با من برقص تا استخر؛ تکرار یک جهان آشنا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سینمای سروش صحت، شکل دادن به جهانی است که در آن طنز از دل تجربه‌های زیسته انسان معمولی بیرون می‌آید، نه صرفاً از موقعیت‌های کمدیک یا شوخی‌های کلامی.

در «استخر» نیز بخش مهمی از طنز فیلم در تعامل میان شخصیت‌ها شکل می‌گیرد؛ در لحن، مکث، سکوت، تکرار و حتی نگاه‌هایی که میان دودیا لوگ ردوبدل می‌شوند. شخصیت‌ها اغلب بدون آنکه قصد بیان گزاره‌ای فلسفی داشته باشند، درباره مفاهیمی مانند مرگ، تنهایی، عشق و گذر زمان حرف می‌زنند. این همان جایی است که صحت تلاش می‌کند از دل جمله‌های ساده، فلسفه‌ای کوچک درباره زندگی بیرون بکشد؛ فلسفه‌ای که بیش از آنکه به دنبال ارائه پاسخ باشد، بر پذیرش زندگی با تمام نقص‌ها، بی‌معنایی‌ها و لحظات کوچک آن تأکید دارد.

● امین حبیبی و سحر دولتشاهی؛ بار اصلی فیلم بر دوش بازیگران

یکی از نقاط قوت «استخر»، بازی‌های اصلی آن است. امین حبیبی در نقش مردی گرفتار بی‌تفاوتی و خشکی عاطفی، تلاش کرده است از جذابیت‌های معمول ستاره‌ای خود فاصله بگیرد و بیشتر بر بی‌حسی و استیصال درونی شخصیت تکیه کند. سحر دولتشاهی نیز بخش قابل توجهی از بار عاطفی فیلم را به دوش می‌کشد و تنش زیرپوستی رابطه‌ای را که به پایان نزدیک شده، حفظ می‌کند. حضور بازیگران آشنا و چهره‌های شناخته‌شده نیز به فیلم نوعی حس صمیمیت می‌دهد؛ حسی که پیش‌تر یکی از ویژگی‌های آثار صحت بوده است.

● موسیقی؛ از میان پرده به بخشی از روایت

موسیقی همواره در سینمای سروش صحت جایگاه ویژه‌ای داشته است. در آثار قبلی او، نمایش توانزنده‌ها و سازها گاهی مانند یک میان‌پرده عمل می‌کرد؛ اما در «استخر»، موسیقی بیشتر در دل روایت قرار گرفته و برای بازتاب حالات روحی شخصیت‌ها به کار گرفته شده است. این تغییر رویکرد، موسیقی را از یک عنصر تزئینی به بخشی از زبان روایی فیلم نزدیک می‌کند و با فضای درون‌گرای اثر هماهنگ است.

● استخر؛ استعاره‌ای از مکث و درون‌نگری

انتخاب عنوان «استخر» نیز در امتداد نگاه فلسفی فیلم قابل خوانش است. آب و استخر در این فیلم نماد استعاره‌ای از درون‌نگری، تأمل و مواجهه انسان با خود باشند. پیرمرد داستان در جایی با اشاره به دریاچه‌ای کوچک می‌گوید: «این هم استخر من است، و از مرد داستانی می‌خواهد وارد آب شود. مرد از این کار امتناع می‌کند، اما در پایان فیلم، او را همراه پسرش در حال شنا می‌بینیم. این تصویر پایانی را می‌توان نوعی پذیرش دانست؛ پذیرش زندگی، تغییر و حرکت دوباره. مردی که در طول فیلم دیگر معنای زندگی و گذشته خود بوده، سرانجام در کنار پسرش وارد آب می‌شود؛ گویی برای نخستین بار حاضر است به جای فکر کردن به زندگی، بخشی از آن را تجربه کند.

● فیلمی که همچنان امضای صحت را دارد

با وجود ضعف‌های فیلم‌نامه و مشکلات ریتم، نمی‌توان «استخر» را اثری ناموفق یا شکست‌خورده دانست. فیلم همچنان از نگاه انسانی ولحن شخصی سروش صحت برخوردار است. او در خلق شخصیت‌هایی که هم‌زمان خنده‌دار و غمگین‌اند، مهارت خود را حفظ کرده است؛ آدم‌هایی معمولی که در دل موقعیت‌های کمدیک، نشانه‌هایی از تنهایی، شکست و ترس را با خود حمل می‌کنند.

فیلم در لحظاتی موفق‌تر است که از تلاش برای عجیب بودن فاصله می‌گیرد و اجازه می‌دهد شخصیت‌ها در سادگی و آسیب‌پذیری انسانی خود دیده شوند. مشکل اصلی زمانی شکل می‌گیرد که فیلم می‌خواهد بیش از اندازه بر ایده‌ها و نشانه‌های آشنای جهان صحت تأکید کند.

از منظر بصری اما «استخر» همچنان فیلمی دیدنی است. استفاده از نور، رنگ، طبیعت، طراحی صحنه و لباس و همچنین قاب‌بندی‌های دقیق، نشان می‌دهد که حس زیبایی‌شناسی کارگردان همچنان یکی از نقاط قوت اصلی آثار اوست.

● «استخر»؛ ادامه یک مسیر، نه یک نقطه اوج

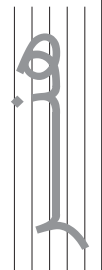
«استخر» در نهایت درباره رابطه‌ای است که از حرکت بازمانده است؛ رابطه‌ای که زیر فشار سال‌ها روزمرگی و بی‌توجهی، معنای اولیه خود را از دست داده و حالا باید درباره ادامه یا پایان خود تصمیم بگیرد.

به شکلی قابل تأمل، خود فیلم نیز گاهی به همین وضعیت دچار می‌شود. جهان سینمایی سروش صحت همچنان قابل تشخیص، شخصی و دوست‌داشتنی است، اما این بار کمتر غافلگیر می‌کند. او همچنان توانایی بیرون کشیدن پرسش‌هایی بزرگ از دل عادت‌ها و موقعیت‌های ساده زندگی را دارد، اما «استخر» در مقایسه با «جهان با من برقص» و حتی «صبحانه با زرافه‌ها»، مسیر تازه‌ای برای رسیدن به این پرسش‌ها پیدا نمی‌کند. شاید مهم‌ترین حرف فیلم همان جمله کوتاه پسر خانواده باشد؛ «همه زندگی، همین دو ثانیه‌هاست.» مسئله «استخر» نیز دقیقاً در همین دو ثانیه‌هاست؛ در لحظه‌هایی که آدم‌ها یکدیگر را نمی‌بینند، حرف هم را نمی‌شنوند و تصور می‌کنند هنوز برای جبران فرصت دارند. فیلم می‌خواهد درباره همین لحظه‌های از دست رفته حرف بزند؛ اگرچه خودش نیز در بخش‌هایی از مسیر فرصت‌هایش را از دست می‌دهد.



شنبه
۱۹ شهریور ۱۴۰۵
۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۸۵
شماره ۲۸۵۲

۱۱



خادم

«پانتئون خود را نگه دار» و یک نمایشنامه دیگر «مدرسه» نمایشنامه‌هایی از دیوید مامت، نمایشنامه‌نویس، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان

آمریکایی است که به تازگی منتشر شده است. «پانتئون خود را نگه دار» ماجرای یک گروه بازیگری ورشکسته و در آستانه اخراج در روم باستان است که برای بقا دست به هر حيله و کاری می‌زنند؛ خرید یک طلسم از کهنه‌سربازی دوره‌گرد یکی از کارهای آن‌هاست. اما بخت و قتی به آن‌ها رو می‌کند که گروه رقیب آن‌ها دریا غرق می‌شوند. این اتفاق فرصتی به آن‌ها می‌دهد تا برای ثروتمندترین مردم روم اجرا کنند. اما مرکب یک اشتباه مرکبای می‌شوند؛ آن‌ها به جای رفتن به خانه حامی قدرتمند خود، به سراغ دشمن او می‌روند و با ژنیون «دهم آفریقا»

